

## استعاره در اشعار قیصر امین پور

سیده سکینه نورانی لاکدشتی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر زبان و ادبیات فارسی، ناحیه یک سازی.

دکتر حسین پارسایی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر.

دکتر ناهید اکبری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر.

### مقدمه:

عنصر اصلی سازنده ی شعر به معنی واقعی کلمه، «خیال» است. هیچ تجربه ای از تجربه های انسانی که می تواند موضوع شعر قرار گیرد، بی تأثیر و تصرف نیروی «خیال» ارزش هنری و شعری پیدا نخواهد کرد و هر حادثه ای هنگامی موضوع شعر است که از شهود حسی و خیال شعری انسان شاعر، رنگ پذیرفته باشد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۲۷)

هر کسی تجربه های شعری مخصوص به خود را دارد. لذا از رهگذر خیال های شعری یک شاعر می توان به شخصیت شعری او پی برد.

«از آن جا که هر کسی در زندگی خاص خود تجربه هایی، ویژه ی خویش دارد، طبعاً صور خیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه ی خاصی دارد که ویژه ی خود اوست، نوع تصاویر هر شاعر صاحب اسلوب و صاحب شخصیتی بیش و کم اختصاصی اوست.» (همان، ص ۲)

در این پژوهش پرسش اصلی این است که: ۱- انواع استعاره در اشعار امین پور کدامند و کدام یک از آن ها در مجموعه های شعری او بیشتر به کار رفته است؟

در این خصوص، برای یافتن شواهد شعری، هر یک از آثار امین پور مورد مطالعه ی دقیق و عمیق قرار گرفت و مهم ترین استعاره ها از مجموعه های شعری اش استخراج و فیش برداری شد و فیش ها براساس انواع آن، طبقه بندی شد و با استدلال، منطقی و شاهد مثال، به تجزیه و تحلیل کیفی مطالب پرداخته شد.

چنین به نظر می رسد که نقد و بررسی همه جانبه ی صور خیال در مجموعه های شعری امین پور به صورت جامع و کامل صورت نگرفته است. البته بسیاری از اصحاب قلم و صاحب نظر به صورت پراکنده، در قالب کتب و مقالات علمی، مطالبی را در نقد و بررسی انواع صور خیال در برخی از اشعار ایشان ارائه داده اند. ده ها مقاله و تحقیق و تألیف را باید گام هایی به شمار آورد که محققان و مؤلفان ما، در بررسی اشعار امین پور معاصر برداشته اند و راه را برای پژوهشگران هموار کرده اند.

لذا با توجه به این مسائل، این پژوهش می تواند برای علاقه مندان به بررسی و تحقیق شعر معاصر، انگیزه ی بیشتری ایجاد نماید و زمینه را برای تحقیقات بیشتر در خصوص اشعار شاعران معاصر فراهم سازد.

### بحث و بررسی

«استعاره» به تشبیهی گفته می شود، که یکی از طرفین آن محذوف باشد؛ می توان گفت: استعاره به کاربردن واژه ای است در معنی مجازی آن با پیوند مشابهتی که بین معنی حقیقی و مجازی وجود دارد.

«استعاره در حقیقت تشبیه فشرده است؛ یعنی تشبیه را آن قدر خلاصه و فشرده می کنیم تا فقط از آن مشبه به باقی ماند.» (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲)

«استعاره، همیشه مبتنی بر تشبیه است.» (جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۳۱)

### ارکان استعاره

همان طوری که تشبیه چهار رکن دارد، ارکان استعاره نیز چهار رکن است به قرار ذیل:

الف- مستعار منه که در اصل مشبه به است.

ب- مستعار له که در اصل مشبه است.

ج- مستعار، لفظ مستعار را گویند.

د- جامع یعنی وجه شبه

### انواع استعاره در اشعار امین پور

در این بخش استعاره هایی که در اشعار قیصر امین پور به کار رفته اند همراه با شواهد شعری ارائه می شود:

استعاره ی مصرّحه: آن است که فقط مشبه به در لفظ آمده و منظور گوینده مشبه باشد.

با توجه به این که «قرینه» از صفات (ملائمات) کدام طرف تشبیه باشد، استعاره ی مصرّحه خود به سه نوع دیگر تقسیم می شود، که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

الف- استعاره ی مجرد: فرمول آن: مشبه به + یکی از صفات (ملائمات) مشبه.

«در واقع استعاره ی مجرد، آن است که یکی از ملائمات مشبه یا مستعار له در کلام ذکر شود، به این گونه

استعاره مجرد گفته اند یعنی خالی و مجرد از اغراق.» (علوی مقدم، ۱۳۷۵، ص ۹۴)

دویدا: استعاره از سر مبارک امام حسین (ع)

مزد گر چشم ها در خون نشیند / چو دریا را به روی نیزه بیند

(آینه های ناگهان، ص ۱۶۷)

لاله ها: استعاره از شهدا

گفتم: / در شهر ما / دیوارها دوباره پر از عکس لاله هاست (تنفس صبح، ص ۱۱)

برف: استعاره از موی سفید

به سر سبزی خویش کاجی ندیدم  
به سر گرچه جز برف تاجی ندیدم  
(گل ها همه آفتاب گردانند، ص ۱۰۵)

سیاه چال: استعاره از زندگی دنیوی، این دنیا

دز این سیاه چال سراسر سؤال  
چشم و دلی مجاب و کمی پنجره  
(همان، ص ۱۲۶)

آئینه: استعاره از آسمان

مثل آئینه ای غبار آلود  
آسمان روی دشت بال کشید  
ناگهان باد ابرها را برد  
روی آئینه، دستمال کشید  
(به قول پرستو، ص ۲۲)

قله های استوار: استعاره از سید حسن حسینی و همانندان او

امین پور در توصیف سید حسن حسینی گفته است:  
باورم نمی شود، کی کسی شنیده است:  
زیر خاک گم شوند قله های استوار؟  
(دستور زبان عشق، ص ۸۲)

بر کمر شمشیر پیکار مرا بسته است! / از زبانش آتشی در سینه ها افتاد / چشم ها، آئینه هایی در میان آب /  
عکس یک کودک / مثل تصویری شکسته / در دل آئینه ها افتاد (ظهر روز دهم، ص ۱۲)  
آتش: استعاره از عشق  
آب: استعاره از اشک

ب) استعاره مرشحه: هر گاه یکی از ملاتمات مستعارمنه یا مشبه به در کلام ذکر شود، به آن مرشحه می گویند یعنی تقویت شده و قوی. ۴

و فرمول آن: مشبه به + یکی از ملاتمات مشبه به + قرینه ی خفی

شب غاسق: استعاره از ابن ملجم مرادی

هنگام فلک که آن شب غاسق رفت  
خونین به هوای یار خود عاشق رفت  
(در کوچه ی آفتاب، ص ۲۰)

امین پور در توصیف هفده شهریور سروده است:

کس در سفر کلام منظومه بدید  
یک روز کند هزار خورشید غروب  
(همان، ص ۳۱)

خورشید: استعاره از شهید

خشک و خالی و پریده لب دلم  
کاسه ی سفال من، چرا چنین؟  
(آینه های ناگهان، ص ۱۰۱)

کامه ی مقال: استعاره از دل

این مهر و ماه را مهرستید / اینک / ماهی دگر برآمد و خورشید دیگری ! (تنفس صبح، ص ۵۲)  
ماه و خورشید: استعاره از وجود مبارک حضرت محمد (ص)

قطار می رود / تو می روی / تمام ایستگاه می رود  
قطار: استعاره از روزهای زندگی  
(دستور زبان عشق، ص ۹)

عکس یک کودک / مثل تصویری شکسته / در دل آینه ها افتاد  
آینه ها: استعاره از چشم های ناظران  
(ظهر روز دهم، ص ۱۲)

حریق: استعاره از تأثیر و سوز و گداز عشق

مرا به حیطه ی محض حریق دعوت کن

به لحظه لحظه ی پیش از شروع خاکستر  
(گل ها همه آفتاب گردانند، ص ۱۰۰)

### ج- استعاره ی مطلقه

دفرمول آن: مشبه به + ملائمتات مشبه به و مشبه

یعنی مشبه به را ذکر کنیم و با آن هم از ملائمتات مشبه به و هم از ملائمتات مشبه چیزی بیآوریم. در این صورت در کلام هم ترشیح است و هم تجرید و این دو یکدیگر را خشی می کنند و استعاره در حالت تعادل قرار می گیرد و بدین جهت به آن استعاره ی مطلقه گویند یعنی آزاد و رها. (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۱۶۱)  
ماه و آفتاب: استعاره از حضرت علی (ع)

امشب فرو فتاده مگر ماه از آسمان

یا آفتاب روی زمین راه می رود

فرق آفتاب: استعاره از حضرت علی (ع)

سایه: استعاره از ابن ملجم مرادی

دارد سر شکافتن فرق آفتاب

آن سایه ای که در دل شب راه می رود

(آینه های ناگهان، ص ۱۴۲)

قرص ماه: استعاره از چهره

گل غنچه شد تا قرص ماهت را بیوسد

خورشید خم شد تا نگاهت را بیوسد

(گل ها همه آفتاب گردانند، صص ۲۰۱)

این باغ: استعاره از سرزمین ایران

هم تمام شهیدان تو را می شناسند

هم تو گل های این باغ را می شناسی

(تنفس صبح، ص ۸۶)

آن کبوترهای بی پروا: استعاره از شهدا

یک مشت پر جا مانده بر بام رسیدن

از آن کبوترهای بی پروا که رفتند

(دستور زبان عشق، ص ۷۴)

رهدی گران: استعاره از فریاد بلند امام حسین (ع)

دشت، ساکت بود/ از میان آسمان خیمه های دوست/ ناگهان رعدی گران برخاست (ظهر روز دهم، ص ۸)  
رود: استعاره از اشک

خاموش شدم از آن که جاری می شد  
از دیده دو رود و بر لبم نیز درود  
(در کوچه ی آفتاب، ص ۲۵)  
خورشید: استعاره از گندم

دمیده از افق هر گوشه خورشید  
به روی دشمنان ره توشه خورشید  
اگر ما دانه ای گندم بکاریم  
بروید از زمین صدخوشه خورشید  
(مثل چشمه، مثل رود، ص ۳۲)

این سفره: استعاره از زندگی  
آفتاب و ماه یک خط در میان  
شادی و غم نیز هر یک لحظه ای  
گاه پیدا، گاه پنهان می شوند  
بر سر این سفره مهمان می شوند  
(به قول پرستو، ص ۱۳)

۲- استعاره مکتبه: «یا استعاره ی بالکنایه عبارت است از ذکر مشبه و اراده ی مشبه به با ذکر بعضی از لوازم آن که قرینه ی تشبیه است.»  
(آهنی، ۱۳۶۰، ص ۱۷۱)

«در این نوع استعاره برخلاف استعاره های قبل، مشبه را ذکر می کنند نه مشبه به را ولی گوینده برای آن که استعاره اش چندان دور نباشد، یکی از لوازم مشبه به را به عنوان قرینه در لفظ می آورد.»

در استعاره مکتبه مشبه به مشرک، در اکثر موارد انسان است. که در فارسی آن را تشخیص می نامیم و می توان به آن «انسان وارگی یا استعاره ی انسان مدارانه و نظایر این گفت. و غریبان آن را هر سو نیفیکاسیون (Personification) می نامند.»  
(شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰)

یکی از زیباترین گونه های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی جان طبیعت می کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان حرکت و جنبش می بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه ی چشم او به طبیعت و اشیاء می نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است. جان بخشیدن به اشیاء و آنان را چون موجودی زنده انگاشتن ناب ترین جوهر شعری است و زنده ترین تصویرها را به ذهن انسان القاء می کند.

تشخیص در اشعار امین پور، بیش از صور خیال دیگر، جلوه گری می کند. او به طبیعت بی جان و اشیای پیرامون خویش جان می بخشد و بین انسان و طبیعت بی جان پیوند برقرار می کند. او طبیعت را زنده و پویا می سازد و طوری از آن ها سخن می گوید که گویی جان دارند.

در حال قیام بودن باغ و در حال رکوع بودن کوه (تشخیص)

باغ در حال قیام کوه در حال رکوع

## آفتاب و ماهتاب در غروب و در طلوع

(مثل چشمه، مثل رود، ص ۵)

دم به دم بر ریگ های داغ / سایه ها کوتاه تر می شد / سایه ها را اندک اندک / ریگ های تشنه

می نوشید (ظهور روز دهم، ص ۶)

اسناد نوشتیاده شدن به سایه استعاره مکنیه است، یعنی شاعر ابتدا در ضمیر خویش سایه را به آبی تشبیه کرده است، سپس یکی از ویژگی های مشبه به (آب) را که نوشیدن است ذکر کرده است.

واژه واژه / سطر سطر / فصل فصل / گیسوان من سفید می شوند (آینه های ناگهان، صص ۶۱ و ۶۰)

اسناد هر یک از موارد (واژه واژه، سطر سطر و...) به گیسوان استعاره مکنیه است. یعنی شاعر ابتدا

گیسوانش را به شکل کتاب در نظر گرفته است و سپس ویژگی های کتاب را ذکر نموده است.

لبان مرگ: (تشخیص)

ما دشمن آه و آوخ و افسوسیم با شوق، لبان مرگ را می بوسیم

(در کوچه ی آفتاب، ص ۷۹)

آبروی بهار عطش شوره زار (تشخیص)

آبروی بهار ها با تو / عطش شوره زارها با تو

(گل ها همه آفتاب گردانند، ص ۹۷)

گرچه در موج خیز فتنه ی خصم همچو کوهند و سدا طوفانند

(تنفس صبح، ص ۱۱۶)

اسناد موج خیز بودن به فتنه ی خصم استعاره مکنیه است و مشبه به محذوف هم دریا است.

بیدار شدن خاک (تشخیص)

چه شد؟ خاک از خواب بیدار شد به خود گفت: انگار من زنده ام

(به قول پرستو، ص ۹)

ناله کردن سنگ و گریه کردن کوه (تشخیص)

سنگ ناله می کند: رود رود بی قراز کوه گریه می کند: آبشار، آبشار

(دستور زیان عشق، ص ۸۱)

۳- استعاره ی تبعیه: «استعاره تبعیه در زبان فارسی، استعاره در فعل و صفت است. در این استعاره فاعل را

حقیقی پنداشته، فعل را به علاقه ی مشابهت تعبیر و تفسیر می کنند.

استعاره اساساً در اسم است که به آن اصلیه گویند، از این رو در استعاره در فعل، فعل را هم به مصدر

تأویل می کنند تا جنبه ی اسمی پیدا کند.

امین پور در شعر «این سبز سرخ» در چند مورد از این استعاره استفاده کرده است:

این سبز سرخ کیست ؟ / این سرو سبز را ز چه در خاک می کنید؟ / این سبز سرخ چیست که  
می کارید؟ (تنفس صبح، ص ۳۱)

«کاشتن» استعاره تبعیه از «دفن کردن» است. و این ترکیب را در ابیات دیگری از این شعر نیز به کار برده  
است:

او را چنان که خواستی / با آن لباس سبز بکارید / با آن لباس لا / او را / وقتی که کاشتند / هم سبز بود هم  
سرخ (همان، صص ۳۲، ۳۳)

«تعطیل بودن» استعاره تبعیه از بی بهره بودن

از جمله دیشب هم / دیگر تر از شب های بی رحمانه دیگر بود ؛ / من کاملاً تعطیل بودم

(آینه های ناگهان، ص ۳۵)

باد مثل بید می لرزید / ایرها / پشت سرهم / سرفه می کردند / ناودان ها / عطسه می کردند

(به قول پرستو، ص ۲۹)

«سرفه کردن» استعاره ی تبعیه از غرش کردن و «عطسه کردن» استعاره تبعیه از آب را روان کردن

است و هر دو ترکیب استعاره در فعل هستند.

تا ابر شکوفه بار در باغ شکفت / یا زمزمه جو بیار در باغ شکفت

(مثل چشمه، مثل رود، ص ۲۳)

«شکفتن» در مصراع اول استعاره تبعیه از «باریدن و ریختن باران» و در مصراع دوم استعاره از جاری

شدن است.

نمی خندد دگر در باغ ها گل / نمی خواند خروس سرخ کاکل

(مثل چشمه، مثل رود، ص ۳۱)

نخندیدن: استعاره تبعیه از شکوفا نشدن

۱- فورگراندینگ یا برجسته سازی

«فورگراندینگ» (Foregrounding) در مکتب جدید بلاغی غربیان مطرح شده است و با توجه به علم بیان

چنین تعریف می شود: اگر استعاره در فعل غیر منتظره و بدیع و نو باشد به طوری که جلب نظر کند و یا

متضمن خبر «Information» غیر متعارفی باشد بدان فورگراندینگ گویند.

(شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶)

به نمونه هایی از این آرایه در اشعار قیصر امین پور اشاره می شود:

خود را چو زنسل نور می نامیدند / رفتند و به کوی دوست آرامیدند

سیراب شدند زان که در اوج عطشی / آن حادثه را به شوق آشامیدند

(در کوچه ی آفتاب، ص ۲۲)

«آشامیدند» فورگراندینگ (استعاره در فعل) است و استعاره از این که با تمام وجود پذیرا شدند.

بیداری و چشم تو به خوابی است شگفت آن نور که خورده ای شرابی است شگفت  
 نوشیدن نور ناب، کاری است شگفت این پرسش را جواب، کاری است شگفت

(در کوچه ی آفتاب، ص ۴۱)

«خورده ای» استعاره از پذیرفتن، به درون خود راه دادن و «نوشیدن نور» استعاره از به درون خود راه دادن.  
 سایه ها کوتاه تر می شد / سایه ها را اندک اندک / ریگ های تشنه می نوشید / زیر سوز آتش خورشید /  
 آهن و فولاد می جوشید (ظهر روز دهم، ص ۶)

نوشیدن: استعاره از نابود کردن و از بین بردن و جوشیدن: استعاره از فراوان بودن

که هر دو ترکیب استعاره در فعل (تبعیه) و غیر منتظره و بدیع (فورگراندینگ) هستند.

در نگاهش جنگلی از نیزه می روید / کودکی لب تشنه سوی دشمنان می رفت

(همان، ص ۱۴)

رویدن: استعاره تبعیه (فورگراندینگ)، آشکار شدن

امین پور در کتاب آینه های ناگهان نیز در چند مورد به این آرایه توجه کرده است:

نام توروستاست / شب ها که سقف خواب مرا / قورباغه ها / هاشور می زنند (آینه های ناگهان، ص ۵)  
 هاشور زدن: استعاره از مانع شدن و غیر منتظره و بدیع است.

او همین ترکیب را با معنی دیگر در جای دیگر نیز به کار برده است:

(همان، ص ۶۵)

وقتی خطوط سربی / سطح شقیقه های مرا با شتاب / هاشور می زنند

هاشور زدن: استعاره از پیر کردن که استعاره در فعل و غیر منتظره و بدیع است.

نتایج تجزیه و تحلیل انواع استعاره در اشعار امین پور

با توجه به بررسی آماری که در مجموعه های شعری امن پور صورت گرفته است، فراوانی انواع

استعاره در اشعار ایشان به شرح زیر است:

نوع استعاره	تعداد	درصد
استعاره مصرحه مجرد	۷۵	۷٪
استعاره مصرحه مرشحه	۶۴	۶٪
استعاره مصرحه مطلقه	۲۱۳	۲۰٪
استعاره مکنیه	۱۳۳	۱۲٪
تشخیص	۵۸۰	۵۳٪
تبعیه	۹	۱٪



فورگراند ینگ	۱۰	%۸
مجموع	۱۰۸۴	%۱۰۰

همان گونه که مشاهده می شود، «تشخیص» بیش از نیمی از کل استعاره را به خود اختصاص داده است. (۵۸۰) مورد و بعد از آن به ترتیب، استعاره ی مصرحه ی مطلقه با (۲۱۳) مورد، استعاره ی مکنیه با (۱۳۳) مورد، مصرحه ی مجرده با (۷۵) مورد، مصرحه ی مرشحه با (۶۴) مورد و تبعیه و فورگراندینگ قرار دارند.

*Title: Metaphor in poetry Gheysar AminPour*

By: Seyed Sakine Nourani Lakdashti

•  
Dr. Hossein Parsaie\*\*

Dr. Nahid Akbari\*\*

**Abstract:**

Aminpour is a committed and au fait poet who has a high status among living poets of Iran. His abilities have been proved in all the areas of poetry again and again and his experiences have become the leading light of many poets.

Among his contemporary poets, he is the one who passed through many qualitative and quantitative developments after the 79 Revolution.

There is no doubt that he is one of the most blessed achievements of literature community both as a member of literature community who was engaged in creation and critics, and as a member of academic division of literature community who was engaged in education and investigation and scientific works. (amini,1381, p.52)

Metaphor is one of imagination forms, which is frequently used in Aminpour poetry. Those metaphors, that has been used in his poetry including:

1. Stipulated metaphor, which is in turn divided into three categories of: abstract, morashaheh, absolute 2. Makineh metaphor (Recognition) 3. dependent metaphor 4. foregrounding or highlighting, and he dealt with Makineh metaphor (recognition kind) more than any other metaphors. The methodology of the current study is in essence analytical- descriptive and its contents, has been analyzed qualitatively. Its main objective is to identify the rate of application of various metaphors in poetry of this prominent poet.

**Key words:** AminPour. Poetry, metaphor.

---

• M.A. in Persian language and literature and teacher of Saran, Dist.1

•• Faculty Members Of Azad Islamic University Ghasmshahr

## فهرست منابع

- ۱- آهني ، غلامحسين ، (۱۳۶۰)، معانی و بیان، بنیاد قرآن .
- ۲- امین پور، قیصر، (۱۳۶۳)، *تنفس صبح*، تهران، انتشارات حوزه ی هنری.
- ۳- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۳)، *در کوچه ی آفتاب*، تهران، انتشارات حوزه هنری.
- ۴- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۵)، *ظهر روز دهم*، تهران، انتشارات سروش.
- ۵- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۸)، *مثل چشمه، مثل روی*، تهران، انتشارات سروش.
- ۶- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲)، *آینه های ناگهان*، تهران، انتشارات افق.
- ۷- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، *به قول پرستو*، تهران، انتشارات زمان.
- ۸- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۰)، *گل ها همه آفتاب گردانند*، تهران، انتشارات مروارید.
- ۹- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، *دستور زبان عشق*، تهران، انتشارات مروارید.
- ۱۰- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۰)، *اسرار البلاغه*، ترجمه ی جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران، انتشارات آگاه.
- ۱۲- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، *بیان*، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۳- علوی مقدم، محمد، (۱۳۷۵)، *معانی و بیان*، قم، انتشارات سمت.
- ۱۴- فصل نامه ی شعر، سال دهم، ش ۳۰، ۱۳۸۱، انتشارات سوره، (ویژه نامه ی قیصرامین پور).

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.